

■ از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا امروز کدام عملیات تروریستی بزرگ و حتی کوچک بوده که عامل آن یک ایرانی باشد با اسم مثلا سیاوش تهرانی؟ خب! حالا که تروریست انتحاری ایرانی در عالم واقعیت نداریم، بهتر است در سریال‌های عامه‌پسند درجه ۲ اسامی عربی را روی ایرانی‌ها بگذاریم تا مثلا وقتی خبر آمد؛ فهیم‌المباشری اصالتا سعودی در پاریس و لندن بمب تر کاند، مخاطب آمریکایی بگوید: این اسم ایرانی است و من در فلان سریال شنیده‌ام!

نگاهی به سریال «TheSpy» که پروژه تبلیغاتی موساد در سینماست

عملیات احیای اعتبار!

احسان سالمی: «جاسوس» یا همان «The Spy»

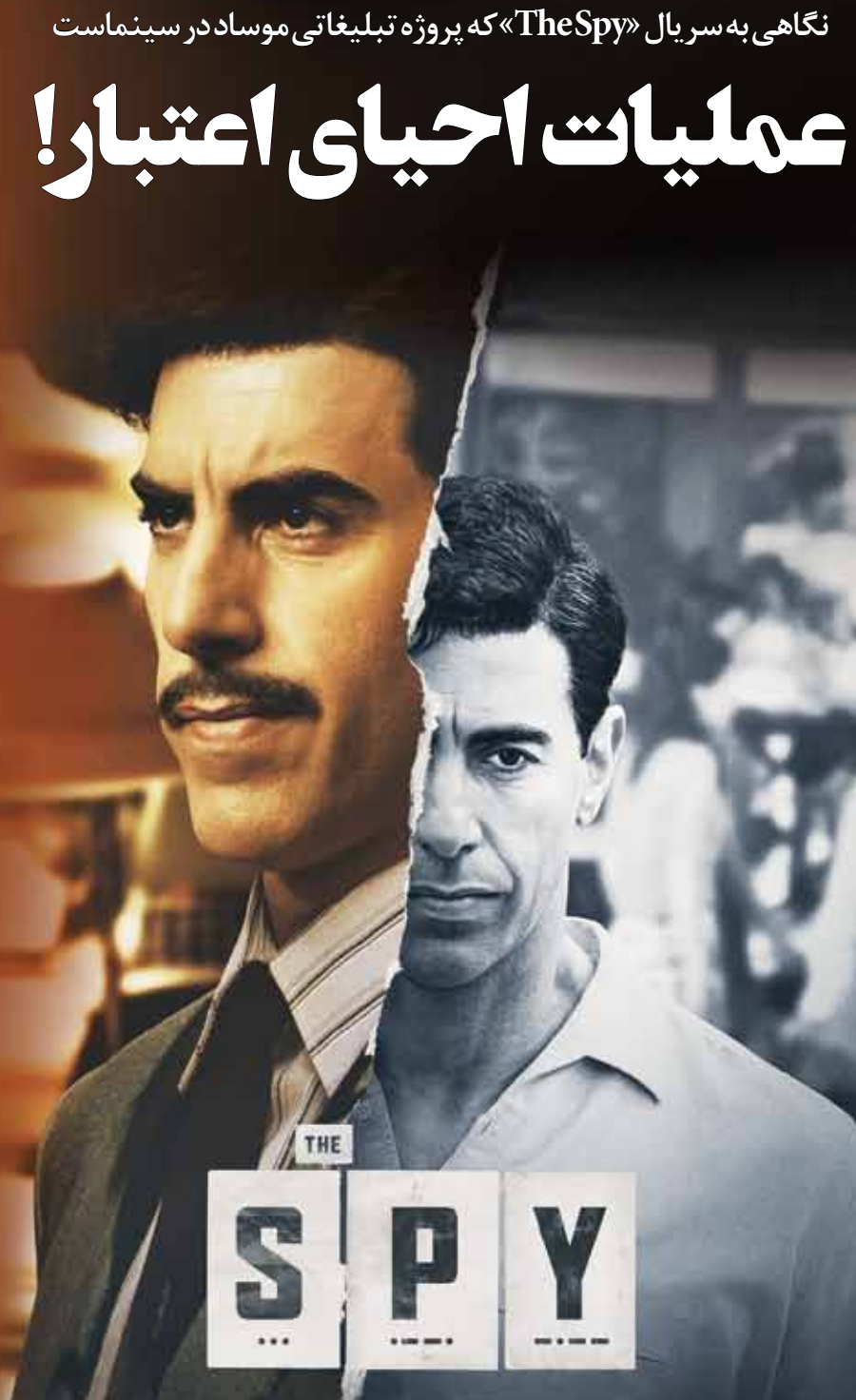
مینی سریالی بود که اواسط سال گذشته از طریق نتفلیکس به شکل عمومی منتشر شد؛ اثری تبلیغاتی که برای پاسداشت فعالیت‌های یک جاسوس اسرائیلی ساخته شد! «الی کوهن» قهرمان اصلی این پروژه تبلیغاتی است؛ پروژهای که با هدف قهرمان‌سازی از این جاسوس و توجیه شکست دستگاه اطلاعاتی اسرائیل در برابر دستگاه اطلاعاتی سوریه ساخته شده‌است. البته جزئیات بیشتری نیز در این مینی سریال به مخاطب عرضه می‌شود که بیش از هر چیز در راستای تلطیف چهره «موساد» عمل می‌کند. کوهن یکی از مهم‌ترین جاسوسان رژیم صهیونیستی در قرن بیستم به شمار می‌رفت که اطلاعات مهم و موثری را طی ۴ سالی که در پایتخت سوریه حضور داشت، به تل آویو مخابره کرد؛ اطلاعاتی که بسیاری آن را عامل پیروزی ظاهری اسرائیل در جنگ ۶ روزه با کشورهای عربی می‌دانند. او البته ۲ سال قبل از آغاز این جنگ یعنی در سال ۱۹۶۵ در دمشق لو رفت و توسط اعضای سرویس اطلاعات سوریه بازداشت و در همان سال اعدام شد.

«The Spy» یک سرپوش بر شکست بزرگ اسرائیل در برابر دستگاه‌های امنیتی سوریه است؛ ماجرای جاسوسی که طی چند سال در میان عالی‌ترین مقامات سورئ نفوذ می‌کند اما در نهایت به دام دستگاه‌های امنیتی سوریه می‌افتد؛ پرونده‌ای پیچیده که البته هنوز بسیاری از ابعاد آن نامشخص است و حتی خانواده‌الی کوهن در این میان قصور و کوتاهی «موساد» را عامل او رفتن وی می‌دانند.

اما فارغ از ابعاد پیدا و پنهان این ماجرای تاریخی، مسأله اصلی در ارتباط با «The Spy»، آشکار بودن سیاست‌های تبلیغاتی موساد در این پروژه است. این مینی سریال که محصول کشور فرانسه‌است، توسط گیدئون راف، کارگردان و نویسنده اسرائیلی ساخته شده و در آن علاوه بر نمایش ماجراهای پیش آمده برای «الی کوهن»، سعی شده چهره موساد و فعالیت‌های آن نیز تلطیف شود.

داستان سریال از چگونگی انتخاب کوهن به‌عنوان جاسوس موساد آغاز می‌شود. اسرائیل که در جنگ باسوریه به واسطه استفاده سورئ‌ها از اصول جنگ‌های نامتقارن بشدت دچار ضعف است، تصمیم دارد تا با ورود یک جاسوس به کشور سوریه نسبت به‌مواضع دفاعی و نظامی آنها اطلاع پیدا کند.

الی کوهن فردی عادی در جامعه اسرائیل است که به واسطه طبقه پایین اجتماعی خود، چندان در جامعه جدی گرفته نمی‌شود اما با انتخاب دستگاه امنیتی اسرائیل برای انجام مأموریتی بزرگ با عنوان جلی «کامل امین نایت» به عنوان یک مودسوری ابتداراهی آرزاتین واز آنجا به‌لطف‌احیایی راهی سوریه می‌شود. در تمام مسیر قصه سریال اینگونه نشان داده می‌شود که الی کوهن به خواست خود و برای آنکه بتواند خود را به خانواده و اطرافیانش ثابت کند، تن به ورود به این ماجرای پیچیده می‌دهد ولی براساس مستندات



تروریست‌نشان دادن ایرانی‌ها با اسامی جعلی در سریال «شجاع» ساخته شبکه گلوبال

هالیوود همچنان روی خط عراق!



و فلاکت و به طور کلی عربی‌زاسیون تهران در سینمای آمریکا گذشته و باید خط جدیدتری را دنبال کرد؛ خطی که البته نقطه اشتراک آن با رویه قبلی هالیوود، تمرکز بر نمایش تصویری سیاه و همراه با اغراق از ایران است.

تاریخی، کوهن به اجبار دستگاه امنیتی اسرائیل، از محل کار قبلی خود اخراج و از آن به بعد وادار به همکاری با موساد می‌شود.

سریال کاملاً در یازل تبلیغاتی دستگاه‌های امنیتی اسرائیل بازی می‌کند؛ کوهن مردی است که با خواسته خود و برای خدمت به وطنش راهی سوریه می‌شود؛ سورئ‌ها مردمی خشن وهوسران هستند. مردمی که خواهان تغییر حکومت خود هستند اما در نهایت به واسطه یک کودتا، مجبور می‌شوند به یک دیکتاتوری تازه تن بدهند. جالب اینکه در قسمت ابتدایی سریال اینگونه نشان داده می‌شود که اسرائیل از فعالیت‌های نظامی سورئ‌ها بشدت واهمه دارد اما با ورود کوهن به ساختار قدرت در سوریه و نزدیک شدن او به ارکان نظامی این کشور، اتفاقاً اینگونه نشان داده می‌شود که این سورئ‌ها هستند که از توان نظامی و قدرت اسرائیل می‌ترسند!

سازندگان «The Spy» برای تکمیل پروژه تبلیغاتی خود با نمایش ارتباط خاندان بن لادن اِبه عنوان خاندانی که در ذهن مخاطبان با گزاره‌هایی همچون خشونت و تروریسم گره خورده‌اند اُ با عالی‌رتبه‌ترین مقامات سورئ به نوعی این گزاره را در ذهن مخاطب تثبیت می‌کنند که مهد تروریسم و شکل‌گیری فعالیت‌های تروریستی سوریه‌است؛ سورئ‌هایی که با پر و بال دادن به بن لادن دور از چشم سایر حکام جهان عرب، به نوعی مقدمات شکل‌گیری فعالیت‌های تروریستی آنها را آماده کرده‌اند.

البته این تنها نشانه یازل چیده شده توسط موساد برای نقشه تبلیغاتی خود نیست، موساد که در ماجرای دستگیری و اعدام کوهن به کم‌کاری متهم شده است، اتفاقاً با هدف اقناع مخاطب داخلی و هواداران خود هم که شده سعی می‌کند با تقویت گزاره مطرح شده از سوی خود در زمینه کم‌کاری و خطای فردی کوهن در این موضوع، به نوعی انگشت اتهام را از سمت خود به سمت مأمور کشته‌شده‌اش یعنی «الی کوهن» بچرخاند. همچنین با نمایش این موضوع به عنوان یک خطای فردی وانمود کند که دستگیری این جاسوس که موفقیتی مهم برای دستگاه امنیتی سوریه بود، صرفاً به واسطه یک اشتباه فردی ایجاد شده است و ایراد و نقصی بر دستگاه امنیتی اسرائیل وارد نیست؛ سرپوشی تمیز بر یک خطای بزرگ!

نکته دیگر آن است که سازندگان «The Spy»، با نزدیک شدن به فضای زندگی شخصی الی کوهن و نمایش تقلائی او برای دیده شدن، اینگونه نشان می‌دهند که او چون خود می‌خواست بیشتر توانایی‌هایش را اثبات کند؛ بی‌گدار به آب زد و در نهایت نیز لو رفت. حتی برای تلطیف چهره مأموران موساد و دلیل تلاش گسترده آنها برای نفوذ به ساختار قدرت در سوریه، مسأله تلافی سورئ‌ها برای قطع دسترسی اسرائیل به منابع اِبی را مطرح می‌کنند؛ گزاره‌ای که حاکی از یک رفتار غیرانسانی است و به شکل طبیعی هر

مهدی طاهر خانی: یک سریال، سال ۲۰۱۷ از شبکه «گلوبال» آمریکا به اسم شجاع یا همان «the brave» در ۱۳ اپیزود پخش شد. سریال به سفارش CIA یا زیرمجموعه عیان و پنهانش ساخته شده بود و عملیات‌های ویژه را در جاهای مختلف جهان نشان می‌داد؛ یک تیم ۵ نفره از تفنگداران نیروی دریایی که بدون ترس به دل حادثه می‌روند و سربلند بیرون می‌آیند. مأموریت سریال مشخص است؛ نمایش اغراق‌شده شکست‌ناپذیری سرباز آمریکایی، باوری که باید ذره ذره به خورد مخاطب برود؛ قطره‌چکانی اما ممتد و بی‌وقفه!

گویای آمریکا و سیاست‌هایش حق مطلق و مابقی همه تروریست و بربر هستند! هر چند که امتیاز این سریال در سایت IMDb چندان بالا نیست و به نظر می‌رسد رسالتش در ظاهر بیشتر جنبه هیجانی و اکشن آن باشد تا رویکردهای هنری و موردپسند کارشناسان سینما. «شجاع» در ۱۲ قسمت ساخته شد که هر قسمت از آن به شکل مجزا به بررسی و نمایش یک حمله تروریستی اختصاص داشت، البته شرکت سازنده آن اعلام کرد بنا به دلایلی و شاید هم عدم استقبال از مجموعه، ساخت آن را ادامه نخواهد داد. اما قسمت جالب این سریال را باید بخش مربوط به ایران آن دانست. برخلاف قسمت‌های قبل، بخش مربوط به ایران به جای یک قسمت، در چندین قسمت روایت می‌شود، گویی همه قسمت‌های قبل، مقدمه‌ای برای ورود به موضوع ایران است!

چند نکته قابل تأمل و مهم درباره اپیزود ایران این

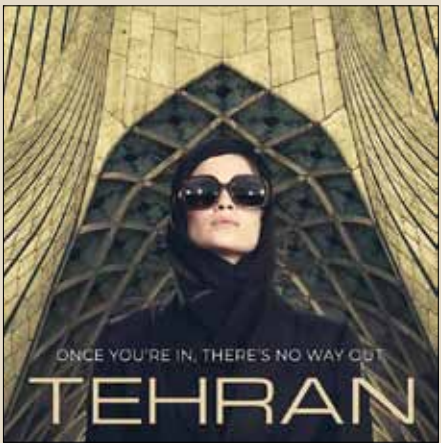
مجموعه نمایشی وجود دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم. ۱- اسامی ایرانی‌ها به جز یک فرد که از قضا نفوذی آمریکاست، همه بدون استثنا عربی هستند. در نگاه نخست گویا برای ساخت سریال، کوچک‌ترین تحقیقی درباره ایران صورت نگرفته است؛ چرا که حتی املائی هتل را «هوتل» نوشته بودند که شاید به زبان افغانستانی باشد؛ یعنی هیچ تمیزیزی بین ایرانیان با اعراب و حتی افغانستانی‌ها وجود ندارد.

۲- اسم فردی که باید در ایران ترور شود و یکی از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، «فهیم جریف» است که طبق سناریو در ساحل ترکیه، بمب‌گذاری کرده بود. از آن طرف ناگهان نام عامل نفوذی سیا می‌شود: «لاریجانی»! مابقی اسامی تقریباً عربی است و پیشکار شخصیت فهیم جریف، قاسم نام دارد آن هم با درجه سرلیف یکم! او یک نظامی عالی‌رتبه از نیروهای ویژه قدس است. گویا فقط «سلیمانی» اش جا افتاده است (زمان ساخت سریال قبل از ترور شهید شهید حاج قاسم سلیمانی است).

۳- سازندگان سریال فضای ایران را طوری ترسیم کرده بودند که فقط در سرویس بهداشتی، مامور نظامی سپاه با تفنگ کلاش حضور ندارد! محل زندگی و کار شخصیت «فهیم»، پنت‌هاوس یک هتل به اسم «کوثر» است. اتاق فرماندهی ادعا می‌کند موساد خودش را هلاک کرد اما نتوانست فهیم را ترور کند، بعد همین فهیم به یک قهوه‌خانه قدیمی رفت‌وآمد دارد که نمونه مشاهیش برای معتادان متجاهر میدان شوش و راه آهن است! از

درباره سریال «تهران» که تلاش تازه صهیونیست‌ها جهت تخریب تصویر بین‌المللی ایران است

ولخرجی صهیونیست‌ها برای جاسوسی در «تهران»



ایرانی هم بهره برده‌اند. این سریال ضدایرانی هر چند در فرم کار (بازسازی تهران) حرفه‌ای عمل کرده است اما همان‌طور

داخلی خود ساخته‌اند، بلکه همان‌طور که اشاره شد مسؤولان این شبکه اسرائیلی در پی پخش جهانی این اثر ضدایرانی خود هستند.

نکته دوم، بحث محتوایی سریال باید مورد توجه قرار گیرد. همان‌طور که از تیزر و اطلاعات منتشرشده از سریال «تهران» مشخص است، این سریال به یک نبرد خیالی میان موساد و سازمان اطلاعاتی کشورمان می‌پردازد و بدون‌شک در این نبرد خیالی عوامل موساد برنده خواهند بود اما واقعیت چیز دیگری است و طی سال‌های اخیر بارها عوامل اطلاعاتی موساد و سیا در دنیای واقعی طعم تحقیر و شکست را در مقابل افسران امنیتی ایران چشیده‌اند و حال رژیم صهیونیستی با دروغ‌راکنی و سیاه‌نمایی به فکر انتقام این شکست‌ها در دنیای غیرواقعی و مجازی است و در این راستا از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. در پایان باید گفت، اینکه این سریال تا چه اندازه در اهداف از پیش تعیین‌شده خود موفق عمل خواهد کرد، باید منتظر پخش آن و واکنش مخاطبان در فضای مجازی نسبت به آن باشیم.

که انتظار می‌رود و از تماشااش تیزر آن برمی‌آید، سازندگان آن برای تولید این سریال از هیچ دروغ و سیاه‌نمایی درباره اوضاع داخلی و امنیتی ایران دریغ نکرده‌اند.

از سوی دیگر همان‌طور که از معرفی این فیلم در تیزر برمی‌آید، این سریال به نوعی تقابل رسانه‌ای ایران و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود که قرار است پخش خود را از شبکه اسرائیلی «کان ۱۱» آغاز کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد عوامل این سریال از هم‌اکنون تلاش گسترده‌ای برای پخش جهانی آن دارند تا آنجا که می‌توانند چهره‌ای غیرواقعی و خیالی از ایران به جهانیان مخابره کنند. در ایسن میان ۲ نکته باید بیشتر از موارد دیگر مورد توجه مسؤولان فرهنگش کشور قرار گیرد؛ نکته اول، وقتی یک شبکه متعلق به رژیم اشغالگر با هزینه‌های نجومی برای این سریال اقدام به ساخت شهرک سینمایی در کشور یونان می‌کند و در کنار آن عوامل خود را از حرفه‌ای‌ترین‌های سینمای دنیا تشکیل می‌دهد، ساده‌لوحانه است تصور کنیم صهیونیست‌ها این مینی سریال را صرفاً برای مخاطبان